

بررسی جمع قرآن پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ از نگاه مستشرقان و اهل سنت

دکتر عیسی متقی زاده* (استادیار دانشگاه تربیت مدرس تهران)
باب الله محمدی نبی کندی* (کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم تهران)

چکیده

جمع قرآن کریم یکی از چالش برانگیزترین بحث‌ها میان دانشمندان فریقین و مستشرقان است. اکثر مستشرقان جمع قرآن مستقل و واحدی را برای پیغمبر اکرم ﷺ و امام علی ﷺ قائل نیستند. برخی از آنان نیز در قرن نوزدهم در صدد نفی این دیدگاه برآمده و حتی بسیاری از احادیث مربوط به جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ را جعلی پنداشته‌اند. اکثریت اهل سنت و مستشرقان خلیفه اول را به عنوان اولین جامع قرآن می‌دانند، در مقابل، اکثریت علمای شیعه برای اثبات جمع قرآن در عصر پیامبر ﷺ و توسط امام علی ﷺ، تلاش‌های وافری را انجام داده و دلایل و شواهدی اقامه می‌کنند که قرآن کریم در زمان پیامبر ﷺ به صورت کامل جمع و تدوین شد و پس از آن بزرگوار، امام علی ﷺ نیز به دستور ایشان به این کار مبادرت ورزید. در این جستار با استدلال‌های نقلی و عقلی به ادعاهای مستشرقان و اهل سنت در این زمینه پاسخ داده شده است.

واژه‌های اصلی: قرآن، جمع قرآن، پیامبر خاتم ﷺ، امام علی ﷺ، مستشرقان، اهل سنت

مقدمه

قرآن مجید مبنای تمدن و فرهنگ اسلامی است و در فرهنگ اسلامی شخصیتی مهم تر و مفید تر از پیامبر اکرم ﷺ و امام علی علیه السلام وجود ندارد. یکی از موضوعات مهم در باره زندگی حضرت محمد ﷺ و قرآن کریم، چگونگی جمع آن است. این موضوع همواره در میان اندیشمندان اسلامی و دانشمندان غربی مورد بحث و اختلاف بوده است. (نک: رامیار، تاریخ قرآن، ۲۸۰-۲۹۰، ۲۹۴-۲۹۵؛ حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ۲۲۱؛ میرمحمدی، بحوث فی تاریخ القرآن و علوم، ۱۰۵-۱۰۶، ۱۲۸-۱۲۹). بر این اساس چگونگی جمع قرآن کریم و بررسی دقیق آن بر تحلیل چند مسأله متوقف است: واژه جمع قرآن به چه معنایی استعمال شده است؟ دیدگاه مستشرقان درباره جمع قرآن از سوی پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام چیست؟ انگیزه اصلی ابوبکر از جمع قرآن چه می‌تواند باشد؟ تشکیک خاورشناسان درباره احادیث جمع قرآن تا چه میزان صحیح است؟ در این مقاله سعی شده تا به این سؤالات پاسخ داده شود.

مفهوم‌شناسی

جمع در لغت به معنای گردآوردن است همان‌طور که در آیه ۹۹ سوره کهف به کار رفته است. (قرشی، قاموس قرآن، ۱/۴۷). همچنین به معنای نزدیک نمودن و پیوستن بعضی از چیزی به بعضی دیگر می‌باشد: جمعته فاجتمعا (راغب، ۱/۴۰۹).
واژه جمع به معنای جمع کردن چیزی را از تفرقه و جدایی و همچنین به معنای گرد آوردن چیزی از مکان‌های مختلف آمده است (ابن منظور، لسان العرب، ۵/۱). در میان مستشرقان، «نولدکه» و «شوالی» این کلمه را به معنی حفظ و اخذ گرفته‌اند؛ بدین معنا که هر گاه در ضمن احادیث از جمع قرآن توسط اصحاب سخن رفته، منظور آن است که آنان قرآن یا بخش‌هایی از آن را حفظ داشته‌اند؛ نه نوشتن و مجموعه داشتن (رامیار، تاریخ قرآن، ۲۱۱). واژه جمع، برای جمع قرآن کریم، در آیه **﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾** (قیامت/۱۷) به کار رفته است که در این صورت معنای آیه چنین است: در خواندن قرآن عجله نکن، چون جمع کردن و پیوسته کردن آن و قرائت‌اش بر عهده ماست و هیچ یک از اینها فوت نمی‌شود (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰/۱۱۰).

دیدگاه‌ها درباره جمع قرآن کریم:

در این باره دو دیدگاه وجود دارد:

الف: جمع قرآن، در زمان پیامبر ﷺ از نگاه اهل سنت

اکثر دانشمندان اهل سنت بر این عقیده‌اند که قرآن در زمان پیامبر ﷺ رسماً جمع آوری نگردید، و کتابی مدون در دسترس مسلمانان قرار نگرفت، هر چند کتابت آن انجام شد (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱/ ۲۰۲) خطابی می‌گوید: چون رسول خدا ﷺ همواره در انتظار نزول وحی به سر می‌برد، هیچ‌گاه در زمان حیاتش مجال و فرصتی پیش نیامد که وحی منقطع گردد تا نویسندگان را به جمع و ترتیب قرآن در مصحف واحدی و ادار سازد (همان، ۱/ ۹۸-۹۹). همچنین طبری اظهار کرده است: تا زمان ابو بکر و عثمان، قرآن پراکنده بود و هنوز نظم و ترتیبی در آن به وجود نیامده بود تا به صورت مصحف واحدی در آید (ر.ک: ابن ندیم، الفهرست، ۴۲). زرکشی نیز در البرهان فی علوم القرآن می‌نویسد: پس از پیامبر، اصحاب رسول خدا قرآنی که بر روی چوب‌ها، استخوان‌ها، سنگ‌ها و رقع‌ها و پوست حیوانات نوشته شده و پراکنده بود، جمع‌آوری نموده و آن را منظم و مرتب کردند (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱/ ۳۲۶).

ب: جمع قرآن کریم در زمان پیامبر ﷺ از نگاه مستشرقان

اکثر خاورشناسان نیز به پیروی از اهل سنت جمع قرآن را در زمان پیامبر ﷺ به صورت کامل و کتابی مدون نپذیرفته‌اند. حال معروف‌ترین آراء را از اینان بیان کرده، سپس به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱- تئودور نولدکه

وی نظریه‌های جمع قرآن را در نزد مسلمانان سه‌گونه می‌داند: الف) جمع قرآن توسط ابوبکر (ب) جمع قرآن توسط عمر (ج) جمع قرآن توسط ابوبکر آغاز و به خلیفه سوم منتهی گشت. وی اظهار می‌دارد که قرآن قطعاً نمی‌تواند در زمان پیامبر جمع شده باشد. (نولدکه، تاریخ القرآن، ۲۵۲)

۲- رژی بلاشر

بلاشر معتقد است که تاریخ قرآن و پیشرفت علوم قرآنی وابسته به سه عامل بوده است:

الف) استفاده از خطی بسیار ناقص برای نوشتن قرآن.
ب) فقدان نسخه ای از وحی که به رهبری شخصی محمد ﷺ انجام یافته باشد.
ج) توجه به موارد یاد شده، نقص کتابت و فقدان متن ثابت لایتغیر، مراجعه به حافظه و نقل شفاهی (بلاشر، در آستانه قرآن، ۱۵).
وی با توجه به موارد یاد شده، نقص کتابت و فقدان متن ثابت لایتغیر و مراجعه به حافظه و نقل شفاهی را مورد لحاظ قرار می دهد و در نتیجه گیری خود، اشاره ای به جمع قرآن به معنی کتابی مدوّن در زمان پیامبر ﷺ نمی کند.

۳- مونگمیری وات

وات مستشرق انگلیسی است که در آخرین کتاب خویش عصاره برداشت خود را از اسلام پژوهشی بیان کرده است. وی معتقد است که مسلمانان اهتمام خاصی برای جمع قرآن قائل بوده اند و به مجرد نزول قرآن، آن را مکتوب می کردند و در سال ۶۵۰ م. رسماً قرآن را جمع و تدوین نموده اند (وات، الاسلام و المسيحية في العالم المعاصر، ۱۲۸). بدین ترتیب وی ایده جمع قرآن را پس از پیامبر ﷺ ارائه کرده است؛ زیرا سال ۶۵۰ م. برابر است با سال ۲۹ هـ. یعنی ۱۸ سال پس از رحلت پیامبر ﷺ.

۴- آرتور جفری

وی می نویسد ابوبکر نخستین کسی بود که قرآن را روی اوراق بزرگ جمع نمود و سپس عثمان به تطبیق و انتشار این صحیفه ها پرداخت تا قرائت یکسانی فراهم آورد. (ابن ابی داوود، المصاحف، ۵)

۵- گلدزیهر

دانشمندانی مانند گلدزیهر و شاخه بسیاری از احادیث جمع قرآن را جعلی و بدون اعتبار و ارزش تاریخی می انگارند و در اینکه قرآن از طرف پیامبر ﷺ آمده، تردیدی نداشتند و آن را معتبرترین منبع سیره وی برمی شمردند.

(Motzki, The Collection of the Quran, p 4)

۶- ساخت

ژوزف شاخت به تبع نظریه گلدزیهر جعلی بودن روایت‌های جمع قرآن را بیش‌تر مورد تأیید قرار داد. (Schacht, The Origins of Muhammad Jurisprudence, p 4)

۷- ونز برو

موج جعلی بودن احادیث با گلدزیهر آغاز شد و بعد از ساخت فروکش کرد، ولی در اواخر دهه هفتاد با آثار جان ونزبرو از سرگرفته شد. وی در مورد تدوین قرآن، تاریخ‌نگاری و تقویم سنتی جمع و تدوین قرآن را مردود می‌شمارد (کریمی‌نیا، مرجع مطالعات قرآن در غرب، ۱۱۸-۱۲۰). به نظر ونزبرو قطعیت نهایی و تثبیت متن قرآن قدم به قدم با شکل‌گیری جامعه همگام است. بدین سان پایان قرن دوم هجری / هشتم میلادی از نظر تاریخی زمان مساعدی بود که سنت شفاهی و عناصر دینی گردآوری شود (همان، ۱۴۶). بدین ترتیب ونز برو نیز مانند دو مستشرق پیشین. به جعلی بودن احادیث مربوط به جمع قرآن اعتقاد داشت و جمع و تدوین قرآن را مربوط به چند نسل بعد از پیامبر ﷺ دانست.

بررسی

اول: جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ

الف) نخستین مرحله جمع قرآن، نگهداری و حفظ آن در ذهن‌هاست و این مرحله از شخص پیامبر ﷺ آغاز گردید و سپس از سوی ایشان بر مردم قرائت شد (رامیار، تاریخ قرآن، ۲۲۱). این مرحله را اهل سنت و خاورشناسان نیز می‌پذیرند.

ب) نوشتن قرآن: در این مرحله پیامبر ﷺ کسانی را که نوشتن می‌دانستند به نوشتن قرآن گمارد (همان، ۲۲۷)؛ بدین صورت، هنگامی که سوره‌ای نازل می‌شد، آن بزرگوار نویسندگان وحی را می‌خواست و دستور می‌داد که آن را در کنار فلان سوره قرار دهند (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱/ ۳۹۳-۳۹۴).

دلایل جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ به صورت کتاب مدوّن

برای جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ به صورت کتابی مدوّن دلایلی وجود دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- حدیث ثقلین: حدیث «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي ...»؛ «همانا من در میان شما دو امانت گرانبها قرار داده ام، کتاب خدا و عترتم را..» حدیثی است متواتر میان اهل سنت و شیعه که مهر تأیید بر آن زده شده است (زنجانی، تاریخ القرآن، ۵۰). منظور از کتاب در این حدیث نمی تواند برگ های پراکنده باشد؛ چرا که به اوراق پراکنده کتاب اطلاق نمی شود.

۲- ختم قرآن: بعضی از صحابه مثل عبدالله بن مسعود و اُبی بن کعب قرآن را بر پیامبر ﷺ ختم می کردند (میر محمدی، بحوث فی تاریخ القرآن و علوم، ۱۲۶). در صحیح بخاری حدیثی نقل شده است به این مضمون «إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَدِ أَمَرَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرٍو بْنَ الْعَاصِ بَانَ يَخْتُمُ الْقُرْآنَ فِي كُلِّ سَبْعِ لَيَالٍ أَوْ ثَلَاثَ، مَرَّةً وَقَدْ كَانَ يَخْتُمُهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ»؛ «پیامبر ﷺ به عبدالله بن عمرو و بن عاص فرمان داده بود که هر هفت شب یا هر سه شب روز یک بار قرآن را ختم کند حال آنکه وی پیش از این، گاهی شبی یک مرتبه آن را ختم می نمود» (بخاری، صحیح بخاری، ۱۵۱/۳-۱۵۲). ختم قرآن در این روایت در این روایت نشان می دهد که کتابی مدوّن در زمان پیامبر ﷺ وجود داشته است.

۳- وجود مصاحف در زمان رسول اکرم ﷺ مانند مصحف عبدالله بن مسعود و مصحف اُبی بن کعب و... اثبات می کند که قرآن لافل از سوی افرادی به صورت کتاب در آمده است.

۴- جان برتن مدعی جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ است.

این دید گاه را می توان پذیرفت، ولی نه بر اساس دلایلی که او در تحقیقات خود بر آنها پای فشرده، بلکه بر مبنای استدلال ها و شواهدی که برخی از عالمان مسلمان در این باره اقامه کرده اند. عده ای از محققان مسلمان نظیر سید مرتضی، سید جعفر مرتضی عاملی و آیت الله خوئی به تدوین قرآن در زمان پیامبر ﷺ قائل اند. عالمانی از این دست برای اثبات مدعای خویش شواهد و دلایل عقلی، تاریخی، روایی و قرآنی ارائه کرده اند (نک: خوئی، ۲۶۹-۲۷۱؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱/ ۴۳ و ۱۹۳).

از آن چه گذشت، ملاحظه می شود که از نظر عقلی هم سازگار نیست که قرآن بر پیامبر ﷺ نازل شود و ایشان آن را بدون اینکه به درستی به دست مردم برساند، رها کند. بنابراین دیدگاه مستشرقان و اهل سنت در این زمینه صحیح نیست؛ هر چند برخی از آنان جمع قرآن را در زمان پیامبر ﷺ به صورت اوراق پراکنده می پذیرند.

دوم: بررسی دیدگاه مستشرقان

برخی از مستشرقان دیدگاه مستشرقانی را که دیدگاهشان درباره جمع قرآن مطرح شد، نقد کرده‌اند که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- بر خلاف اکثر مستشرقان، جان برتون جمع قرآن را در عهد پیامبر ﷺ می‌پذیرد. مهم‌ترین فرضیه وی، این است که قرآنی که امروز در دست ماست، در عصر پیامبر ﷺ وجود داشته و توسط آن حضرت تدوین شده است (Burton, *The Collection of the Quran*, p 240-231) به اعتقاد وی روایات حاکی از جمع قرآن پس از عصر پیامبر ﷺ توسط برخی از فقیهان مسلمان جعل شده است. آنان برای آنکه بعضی از احکام فقهی را که مستند آنها در مصحف کنونی یافت نمی‌شود، مستند به قرآن کنند، از مسأله نسخ و مصاحف صحابه استفاده کردند.

(see. Ibid, p. 18-19, 134, 160-166, 174-187, 197-199)

۲- ویلیام گراهام می‌گوید: عملاً باید به نظریه تاریخ توطئه معتقد باشیم تا حجم عظیم منابع مکتوب از جمله کتاب آسمانی (قرآن) را جعل شده در قرن سوم بپذیریم. وی می‌گوید: به رغم اینکه ونزبرو آراء و روش‌های بدیعی در پژوهش ارائه کرده است، معلوم نیست چرا تألیف نهایی قرآن نه یک نسل بلکه حتماً هشت نسل به طول انجامیده است و نظرات ونزبرو در امتداد سنت دیرینه شرق‌شناسانی است که همواره مصرانه در پی اثبات خاستگاهی یهودی برای صور و مفاهیمی اسلامی بوده‌اند، است. (Ibid, p. 127)

۳- یونبول: وی مستشرقی هلندی است. وی هر چند خود را وامدار ساخت و گلدزیهز می‌داند، ولی از تشکیک یکپارچه ساخت و گلدزیهز به صحت احادیث انتقاد می‌کند. وی احادیث جمع قرآن را مربوط به اواخر قرن اول هجری می‌داند.

(Berg, *The Development of Exegesis in Early Islam*, p. 27-29)

۴- هارالد موتسکی: وی از منتقدان جدی خاورشناسان پیشین در حوزه علوم قرآن و حدیث است و بر آن است که شیوه اینان از بنیان نادرست بوده است. موتسکی، محمد بن شهاب زهری متوفای ۱۲۴ق را منبع واقعی احادیث می‌داند. او معتقد است که حدیث جمع ابوبکر در ربع نخست سده دوم رواج داشته است. پس می‌توان تصور کرد که جمع قرآن در اواخر سده اول هجری رواج داشته است (موتسکی، جمع قرآن، ۲۷-۲۹). وی می‌گوید:

نمی‌توانیم اثبات کنیم که روایات مربوط به تاریخ قرآن به شاهدان عینی وقایع باز می‌گردد و نمی‌توانیم مطمئن باشیم که مسائل همان گونه که در احادیث آمده، اتفاق افتاده است. ولی گزارش مسلمانان بسیار قدیم‌تر و در نتیجه، به وقایع بسیار نزدیک‌تر از آن تاریخی است که تاکنون خاورپژوهان می‌اندیشیده‌اند و باید گفت دیدگاه‌های غربی در این باره بسیار دور از واقعیت است (همان، ۳۱).

ارزیابی جمع قرآن توسط ابوبکر

خاورشناسان و اهل سنت نخستین تدوین قرآن کریم را به خلیفه اول نسبت می‌دهند. مستشرقان به تبع نولدکه به این نظریه قائلند. جان برتن می‌گوید: پس از آنکه فقیهان با استدلال به مسأله نسخ، نقش پیامبر ﷺ را از عرصه گردآوری قرآن حذف کرده و جمع آن را به دوران پس از ایشان انتقال دادند، با این پرسش روبه‌رو بودند که اگر پیامبر قرآن را جمع آوری نکرده باشد، پس گردآوری قرآن فعلی حاصل اقدام کیست؟

(Burton, The collection of the Quran, p. 231-240)

و اهل سنت نیز به منظور تأکید این موضوع (جمع قرآن توسط ابوبکر) روایاتی را نقل کرده‌اند که «ابوبکر اول من جمع المصحف»؛ ابوبکر اولین کسی است که مصحف را جمع کرده است (العاصمی، مقدمتان فی علوم القرآن، ۲۳).

بررسی

آنچه به طور قطع می‌توان گفت این است که به شهادت رسیدن حافظان قرآن در جنگ یمامه نمی‌تواند انگیزه اصلی ابوبکر برای جمع قرآن باشد؛ چرا که افرادی دیگر مانند ابی بن کعب در دمشق یا مقداد در حمص و ... مصحف‌هایی برای خود داشتند و مشکل تازه جانشینی بعد از پیامبر ﷺ که برای مسلمانان به وجود آمد، خلیفه را نگران می‌ساخت. از طرفی، امام علی علیه السلام به دستور پیامبر قرآن را جمع آوری نموده بود. پس این فضیلت باید به نحوی پوشانده شود. بدین ترتیب آنها نیز عکس‌العملی از خود نشان دادند و قرآن را برای اولین بار مجرد از هرگونه تفسیر، جمع و تدوین نمودند (رامیار، جمع قرآن، ۳۲۹-۳۳۲). لذا به دو دلیل می‌رسیم: ۱- جمع قرآن به دور از هرگونه تفسیر ۲- فضیلت تراشی برای خلیفه در حفظ مصحف.

این جمع با دلیل عقلی نیز اثبات شدنی نیست؛ چرا که جامعه اگر به تدوین قرآن نیاز داشت، چرا زمانی که ابوبکر قرآن را جمع و تدوین کرد. به مصحف شخصی او مبدل گشت و در نهایت نزد او باقی ماند و عموم مسلمانان از دست رنج حکومت در زمان خلیفه اول بهره‌ای نبردند. بنابراین، نمی‌توانیم جمعی برای خلیفه اول، به عنوان اولین تدوین‌کننده قرآن قائل شویم، بلکه شخص پیامبر ﷺ این مهم را انجام داده‌اند.

ارزیابی جمع قرآن توسط امام علی علیه السلام

الف) نقد نظریه اهل سنت

۱- از آنجا که اهل تسنن، ابوبکر را نخستین جامع قرآن می‌دانند و از جهتی روایات جمع قرآن به دست امام علی علیه السلام از سوی آنان نیز نقل شده است، برخی همانند ابوبکر جوهری و ابن حجر عسقلانی در صدد حل مشکل برآمده و مراد از جمع قرآن را به خاطر سپردن قرآن دانسته‌اند (ابن ابی داود، کتاب المصاحف، ۱۰؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ۴۲ و ۳۹۸).
۲- دانشمندان اهل سنت حدیث جمع قرآن از سوی امام علی علیه السلام را از طریق ابن سیرین نقل می‌کنند که وی معتقد است گردآوری قرآن به دست امام علی علیه السلام در توجیه بیعت نکردن امام علیه السلام با ابوبکر و در نتیجه عدم تأیید خلافت اوست (فرشچیان، بررسی دو شبهه در باره مصحف امام علی علیه السلام، ۱۳۸).

ب) نقد نظریه مستشرقان

در این بخش، دیدگاه دو تن از خاورشناسان معروف را در این باره نقل می‌کنیم.

۱- تئودور نولدکه

وی جمع و تدوین قرآن توسط امام علی علیه السلام را رد می‌کند و می‌نویسد: علی علیه السلام قرآن را جمع نکرده است، ولی شیعه، جمع قرآن را منتسب به وی می‌داند تا از ارزش جمع قرآن توسط خلیفه اول و دوم بکاهند ولی این امر در بین دانشمندان اهل سنت امر مشکوکی است (نولدکه، تاریخ القرآن، ۲۴۴).

۲- رژی بلاشر

وی بیان می‌دارد، خوارج و شیعیان هر دو بدون تردید معتقدند علی علیه السلام بیش از هر

کس دیگر در حیات پیامبر ﷺ به این کار همت گماشت، ولی این تأیید مقرون به شک و تردید هست. مع ذلک اهل سنت نیز مصحف وی را قبول دارند، اما معتقدند این اقدام بلافصله پس از رحلت پیامبر ﷺ جامه عمل به خود پوشید، در حالی که وی خود را از قدرت دور داشته بود. شگفت آور است که هم اکنون از مصحف وی چیزی را نمی بینیم و اهل تشیع خیلی سریع مصحف عثمانی را می پذیرند (بلاشر، در آستانه قرآن، ۵۹-۶۱).

بررسی

شیعیان معتقدند حضرت علی علیه السلام اولین نفری است که قرآن کریم را بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله جمع آوری نموده است. عیاشی در تفسیر خود آورده است: پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام دستور داد که بعد از رحلتش از خانه خارج نشود تا اینکه کتاب خداوند را جمع آوری کند (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۲۵۲).

ابن ندیم نیز نقل می کند: علی علیه السلام پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله سوگند یاد کرد تا قرآن را جمع آوری نکند، عبا بر دوش نگیرد. او در خانه نشست تا قرآن را جمع آوری نمود (ابن ندیم، الفهرست، ۴۷ - ۴۸).

از آنجا که امام علی علیه السلام قرآن را به ترتیب نزول نگاشته بود، جالب توجه بوده است و به همین جهت از همان آغاز بدین خبر توجه خاص شده است. بدین صورت که امام علی علیه السلام می فرماید: آیه ای به رسول خدا نازل نشد مگر آنکه آن را بر من اقرء نمود و آن را به من املاء نمود و من آن را با خط خود نوشتم (رامیار، تاریخ قرآن، ۳۶۷)، پیامبر صلی الله علیه و آله تأویل، تفسیر، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آیات را نیز به من آموخت (عیاشی، تفسیر عیاشی، ۱/۲۲۶).

ویژگی های مصحف امام علی علیه السلام

- ۱- هر چه که به آن احتیاج داریم حتی خدش و ارش در آن آمده است (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۲/۳۰۷). یعنی توضیحات تفسیری در آن آمده است.
- ۲- باطن مصحف علی علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و ظاهر آن توسط جبرئیل بر علی علیه السلام املاء شده است (بحرانی، مدینه المعاجز، ۲/۱۸۷)؛ یعنی در توضیحات تفسیری آن روایات باطنی پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است.

- ۳- زیادات موجود در آن از طریق وحی صورت پذیرفته است (معروف الحسنى، دراسات فى الحديث و المحدثين، ۳۵۲)؛ یعنی در توضیحات آن احادیث آمده است.
- ۴- اسامی اهل حق و باطل در آن ذکر شده است (کاشانی، الصافی فى التفسیر القرآن، ۲/ ۲۵)؛ یعنی در توضیحات تفسیری مصادیق برخی آیات ذکر شده است.
- ۵- با رعایت ترتیب نزول گردآوری شده بود. (سیوطی، الاتقان فى علوم القرآن، ۱/ ۵۸).

سرانجام مصحف امام علی علیه السلام

مجموعه‌ای از روایات که در این باره در دست است، جز این اطلاعاتی به ما نمی دهد که امام علی علیه السلام پس از جمع قرآن، آن را در پارچه ای زرد رنگ پیچید و به مسجد آورد و خطاب به مردم گفت، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: من چیزی را در بین شما باقی می گذارم که اگر به آن تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد؛ کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم. این است کتاب خدا و منم عترت. در این هنگام خلیفه دوم در برابر علی علیه السلام ایستاد و گفت: اگر قرآن پیش توست، همانند آن نیز پیش ماست و نیازی به تو و به آن نداریم (معرفت، التمهید فى علوم القرآن، ۳۳۶).

البته در روایات دیگر علت اساسی رد مصحف علی علیه السلام وجود حاشیه و تفسیر این مصحف است که برای دستگاه حکومت نمی توانست مفید باشد. ولی اگر حدیث جمع قرآن توسط امام علی علیه السلام مورد تردید هم واقع شود، از نظر عقلی اثبات شدنی نیست که یار همیشگی پیامبر صلی الله علیه و آله از این مهم به دور مانده باشد، ولی کسانی مانند ابی ابن کعب و ابن مسعود مصحف داشته باشند. به نظر می رسد که آرای خود اهل سنت و مستشرقان ضد و نقیض است، چرا که نولد که مصحف امام علی علیه السلام را مورد انکار قرار می دهد، ولی در کتاب خویش به بیان ترتیب سوره‌های مصحف امام علیه السلام می پردازد (نولدکه، تاریخ القرآن، ۲۴۴).

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت می توان بر نکات زیر به عنوان مهم ترین نتایج تأکید کرد:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اولین جامع قرآن است. علاوه بر این، حدیث ثقلین یکی از مهمترین ادله‌ای است که نشان می دهد قرآن در زمان شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله جمع و تدوین گشته است.

۲. در پژوهش‌های خاورشناسان تا اندازه‌ای قصد و غرض به چشم می‌خورد. آنها به تبع اهل سنت امام علی علیه السلام را محروم از فضیلت جمع قرآن می‌دانند. در حالی که وصف‌هایی از سوی دانشمندان فریقین از مصحف امام علی علیه السلام بیان شده است و وی را اولین جامع قرآن بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌دانند؛ اگر چه این امر در پس پرده تاریخ باقی مانده است.

۳. قرآن جمع شده از سوی ابوبکر، مجرد از هر گونه تفسیر و حاشیه است و هدف و انگیزه وی، سیاسی بود.

۴. تشکیک در مورد احادیث جمع قرآن، از سوی اندکی از خاورشناسان وارد نیست؛ چرا که دانشمندان مسلمان (اهل سنت) و دیگر خاورشناسان، حدیث جمع قرآن را حداقل به خلیفه اول منسوب می‌دانند.

منابع

۱. ابن ابی داود، عبد الله، كتاب المصاحف، مكتبة المشنى، بغداد، ۱۹۳۶ م.
۲. ابن النديم، ابوالفرج محمد بن اسحاق، الفهرست، مطبعة الاستقامة، مصر، بی تا.
۳. ابن عساکر، علی بن حسن، تاريخ مدينة دمشق، دار المعرفة، بيروت، ۱۳۹۸ ق.
۴. ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم، لسان العرب، دار صادر، بيروت، ۱۴۱۰ ق.
۵. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ قرآن، انتشارات مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۶. آلوسی، سيد محمود، روح المعانی فی تفسير القرآن العظيم، دارالکتب العلمية، بيروت ۱۴۱۵ ق.
۷. بحرانی، سيد هاشم، مدينة المعاجز، دارالکتب العلمية، قم، ۱۳۹۴ ق.
۸. بخاری، محمد ابن اسماعيل، صحيح بخاری، دارالقلم، بيروت، ۱۴۰۱ ق.
۹. بل، ریچارد، درآمدی بر تاريخ قرآن، ترجمه بهاء الدين خرمشاهی، مرکز ترجمه قرآن به زبان های خارجی، قم ۱۳۸۲ ش.
۱۰. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۰ ش.
۱۱. حجتي، سيد محمد باقر، پژوهشی در تاريخ قرآن کریم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۱۲. حسین، طه، المجموعة الكاملة للمؤلفات، الخلفاء الراشدون، دارالكتاب البناني، بيروت، ۱۹۸۶ م.
۱۳. خویی، سيد ابوالقاسم، البيان فی تفسير القرآن، دارالزهراء، بيروت، ۱۴۰۸ ش.
۱۴. رامیار، محمود، تاريخ قرآن، امير كبير، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۱۵. زرکشی، بدر الدين محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، دارالکتب العلميه، بيروت، ۱۴۱۵ ق.
۱۶. زمانی، محمد حسن، قرآن و مستشرقان، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۷. سیوطی، جلال الدين، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، قم، ۱۳۶۳ ش.
۱۸. طباطبائی، سيد محمد حسين، الميزان فی تفسير القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان فی تفسير القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ق.
۲۰. طبری، ابو جعفر محمد بن جرير، تفسير جامع البيان، دارالمعرفة، بيروت، ۱۴۱۲ ق.
۲۱. العاصمی، احمد، مقدمتان فی علوم القرآن، تحقيق آرتور جفری، مكتبة الخانجي، مصر، ۱۹۵۴ م.

٢٢. عسقلاني، فتح الباري، دارالمعرفة، بيروت، بي تا.
٢٣. عسكري، سيد مرتضى، القرآن الكريم وروايات المدرستين، كلية أصول الدين، تهران، ١٣٧٨ هـ ش.
٢٤. عياشي، محمد بن مسعود، تفسير عياشي، مؤسسة الأعلمي، بيروت، ١٤١١ ق.
٢٥. فراهيدي، عبدالرحمن الخليل بن احمد، تاج العروس، تحقيق دكتور المهدي المخزومي، دكتور ابراهيم السامراي، منشورات دارالهجر، قم، بي تا.
٢٦. فرشچيان، رضا، بررسي دو شبهه درباره مصحف امام علي عليه السلام، مقالات و بررسي ها، شماره ٨٤، ١٢٧-١٤٣، تهران، ١٣٨٦ ش .
٢٧. قرشي، سيد علي اكبر، قاموس قرآن، دارالكتب العلمية، تهران، ١٣٨١ ش.
٢٨. قمي، علي بن ابراهيم، تفسير القمي، موسسه دارالكتاب، قم، ١٤٠٢ ق.
٢٩. كاشاني، الفيض، الصافي في التفسير القران، المكتبة الاسلام، طهران، بي تا.
٣٠. كريمي نيا، مرتضى، مرجع مطالعات قرآن در غرب، انتشارات بين المللي الهدى، تهران، ١٣٨٠ ش.
٣١. مجلسي، محمد تقى، بحار الانوار، مؤسسة الوفاء، بيروت، ١٤٠٣ ق.
٣٢. معرفت، محمد هادي، التمهيد في علوم القرآن، انتشارات التمهيد، قم، ١٣٧٧ ش.
٣٣. معروف الحسنى، هاشم، دراسات في الحديث والمحدثين، بي نا، قم، بي تا.
٣٤. مير محمدى، ابولفضل، بحوث في تاريخ القرآن و علوم، دارالتعارف للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٠ ق.
٣٥. نولدكه، ثودور، تاريخ القرآن، تعريب جورج تامر، بي نا، بيروت، ١٣٨٢ ش.
٣٦. وات، مونتغمري، الاسلام و المسيحية في العالم المعاصر، تعريب دكتور عبدالرحمن عبداله الشيخ، بي نا، طهران، ١٩٩٨ م.
٣٧. همو، تاريخ قرآن، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني (سمت)، تهران، ش؛ ١٣٧٥.
38. Berg, Herbert, The Development of Exegesis in Early Islam, Curzon, 2000.
39. Burton, The Collection of the Quran, cambridge, cambridge univer, 1997.
40. Motzki, Harald, The Collection of the Quran, Der Islam, 2001.
41. Schacht, joseph, The Origins of Muhammad Jurisprudence, Oxford, 1959.